گپ <u>روز</u>







مهدى تقوى،اقتصاددان از تطور اصطلاح ومفهوم محروميت مى گويد

# محروميت درايران، مدام بازتوليد شده است

طرح نو – رضا نامجو | محرومیت از آن ده واژههایی است که با به کار بردنـش احتمالا مفهومی خاص در ذهن شنونده شکل می گیرد. نداشتن اعماز کاربردش در معنای اقتصادی، اجتماعی یا حتی سیاسی حداقل مفهومی است که این واژه باخود یدک می کشد. با این وجوداگر از منظر واژه شناسی به کاربر دلغات بنگریم، در می یابیم همه یا دست کم برخی از واژه ها در گذر زمان در معناسی غیر از نیت صلی در روز ابداع شان به کار می روند یا حتی دارای چنــد معنای متفاوت میشــوند. به نظر میرسند محرومیت و محسروم شندن از این دست واژهها باشند. سیر تطور استفاده از واژه محرومیت برای کاربر دَهّای متفاوت ازجُمله موارد قبل تأملی اسـت که این واژه را به عنوان يك اصطلاح اقتصادي - اجتماعي قابل بحث تر جلوه می دهد. دست کم از ابتدای دوران انقلاب جنوه می دهند. نصب خوار بعد. یی در ری اسلامی تاکنون بسسیاری از دولتمردان ایران، جامعهشناســـان، فعالان اقتصادی و حتی ائمه . جمعه و روحانیون این واژه را در معانی متفاوت سه کار بردهاند. به راستی معنای ایس واژه در عوزه اقتصاد با آنچه امروز از استعمال این واژه مفهوم می شود چه تفاوتی دارد؟ برای پاسخ به این سُــوال با دکتر مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشــگاه علامه طباطبایی گفتو گویی انجام دادهایم که شرح آن در ادامه مطلب آمده است:

#### . . واژه محرومیت در حوزه تخصصی شما یعنی علم ۔۔ اقتصاددر چہ مواردی ممکن است مورد استفادہ قراربگیرد؟

اگر یـک اقتصاددان از شــاخصی به نــام یا تحت منوان محروميت استفاده مي كند و مثلا در آمريكا یا در ایران می گویند هر کس حداقــلُ دو دلار در روز یه در بیرن می تویند امر مشن است سان دو دار در روز نداشته باشده، خیلی از کالاها را نمی تواند خریداری کند، منظور دقیق از استفاده ایسن واژه محرومیت نیست، بلکه درواقع هدف اصلی تقسیم مردم در قتصاد به لحاظ درآمدی است. افراد در دهکهای مختلف در آمدی تقسیم می شوند. هدف اصلی از ارایه دهکهای درآمدی آن است که توانایی خرید افراد مشخص شود. در هر اقتصادی براساس درآمد، سوسهها را به دهک اول تا دهم تقسیم می کنند. سه دهک بالا افراد ثروتمند هستند و دهک ششم، پنجم و چها , م خانیا ده ا پنجم و چهارم خانُوادهُهُای متوسط هسُتند. ۴ دهک بعدی هم خانوادهای فقیر هستند. اینها چون قدرت خريد كمتري دارند، يكسري از كالاها را نمي توانند عربیه مسری فرصه پیکستری و عصور منطق و طول روز خریداری کنند. در ضمن کالاهایسی که در طول روز میخرنسد، حداقل هایی برای ادامسهدادن به زندگی ی است. وقتی به طبقه متوسط می آیید، وضع در آمد تا حدودی بهتر می شود. افرادی که در این دهکها قرار دارند، غیر از تهیه کالاهایی که طبقه فقیر تنها برای ادامُه زندگی می توانند آنهارا تهیه کنند (مثُل خُوراک و پوشاک)، می توانند خود و بخرند و به سینما، تئاتر در تواناًیی دهکُهای میانی اُستُن، سفر به آمریکا و خودروهای لوکس تروبسیاری از چیزهای دیگر راهم تح به می کنند.

به نظر میرسددر ایران ایسن واژه بهعنوان

ستان وبلُوچستان یکی از اُستان های محروم ایران سبستان وبالوجستان یکی از استان های محوره ایران است در این فضا می شرح و اوراد را به این صورت معتنا کرد که مردمان این اسستان بوان استفاده او خدمات را در حد بسبیار با بینی را رانس در آمدی که آن متعقله دارد دمی گوییم ممکن است ما بتوانیم به سینمام ویم با آنها پاول سینما وقت ندارند (البته احتمالاماهم دیگر این توانایی را نداریم) همین جمله آخری که به کار بردید، دستمایه پرسش بعدی است. در روز گاری با سطح در آمدی

یک تر ماقتصادا جتماعی به کار بر دهمی شود...

یا ۴دهک پایین را در نظر بگیریم، وقتی آنهانمی توانند برخی کالاها را خریسداری کنند، درواقع از داشستن آن کالاها محروم می شوند. البته من می دانم دقیقا

چه کسیی در حوزه اقتصاد از این واژه استفاده کرده است. آیامعنایی که اکنون از این واژه مراد می شود

(چه توسط دولت و چه توسط رسانه های مختلف با جهنگیری های مختلف سیاسی و اجتماعی) در

مقایسه با آنچه سه دهه پیش به کار بر ده می شدیک

قطعانه البُته بُستگی دارد ببینیــم این عبارت را

چه کسی به کار مهبرد، زیرا هر کسی می تواند این واژه را آنطور که خودش دوست دارد، تفسیر کنند مثلا یکی از استفادههای واژه آن است که بگوییم

معنارامدنظردارد؟

خاص از منظر اقتصاد برخيي افراد رامحروم ند. امسروز هم می گویند محسروم اما نه دقیقابه همان افراد، اینطور نیست؟

اگر جمعیت ایران را ۷۰میلیون نفر فرض کنیم، باید آنها را به ۱۰ گروه تقسیم کنیم. گروه ۱۰ افرادی هســـتند که بیشــترین درآمد را دارند. دهک ۹ از ۸ تای دیگر بیشــتر درآمد دارنداما از دهمی کمتر. این دمندی ادامه دارد تا به ۵ دهک بانس برسیم. دهک ر دبستی در تاریخ به تاریخی پرسین برسین. اول حداقل ها را در زندگی دارند. دهک دوم کمی از اولی بیشتر دارد. واضح اســت که مصرف سه دهک پایین که ۳۰ درصد فقیر ترین افراد جامعه هستند با سه دهک بالااساساقابل قیاس نیست. محرومیت در همین جامعناپیدامی کند.سه دهک پایین از مواهب ۰۰۰۰ موجود در جامعه تا حد زیادی محروم هم فضایی که آنها دارند، درونش زندگی می کنند ۲۰ متر باشداماافرادسه دُهك بالادريك فضاى ١٠٠٠ مترى ، مکناستزندگی کنند

اقتصادی در دهکهای پایین تربیشترمی شود. اگر بخواهیم استفاده از واژه محرومیت در معنای

• آن محرومیتی که در سال های نخست انقلاب حرف از آن بود که بایدریشه کن شود، را سارهای بعدی در شکل های مختلف و به خاطر به کار بردن سیاستهای عموما اشتباه، در اشکال دیگری باز تولید شد. شـمااگر به همین ۱۲-۱سال گذشته کشور نگاه کنید به آسانی جابه جایی دهکی را می بینیدو این یعنی محرومیت در شکلی نوین باز تولیدشدهاست.

•مابرای عبور از مساله محرومیت در کشور، سیال های ه بابری غیوو از مسسانه محرومیت در دستور نسال های زیادی (درواقع زمان بسیار ارز شمنددی) را از دست دادهایم کمه با هیچ چیز جبران نمی شرود، مادرست در زمانی که می خواستیم بحر ومیت را ریشه کن کنیم،دست به اتخاذ سیاست هایی زدیم که محرومیت در اشکال نوبنی باز تولیدشدو گاه حتی گستر شیافت.

مساب مى آمد حالا جزيى از طبقه فقير مى شودواز برطرف کردن برخی از نیازهایش باز می ماند بنابراین میخواهم بگویم محرومیت،اساسا یک مسأله نسبی نقست دهکها، اگر به تحلیل هر کندام از این دهکهابپردازیم، چه تحلیلی به دست می آید؟ آن موقع وضع مردم در همه دهکها خیلی بهتر بود. رر یا سیده مساله نسبی ست؛محرومیت نسبت به کی و چی؟این راباید لحاظ ددهمه مادیا ت كرد.موضوعًايناستكهسيا که محرومیت را در همه اشکال آن ایجاد می کند و ما

احتمالادر آن سال ها ۳دهک پایین هم می توانستند بیشتر مصرف کنند، چرا؟ چون جنگ و تحریمهای اقتصادی در ادامه پیش آمدو به اقتصاد ایران ضربه زد. پس از اصابت این ضربات به اقتصاد ایران و کاهش توان تولید در اقتصاد، در آمد پایین آمد، همه دهکها نمى توانيم همين طوريكباره حرف ازمحروميت بزنيم. آن محروميتى كه در سال هاى نخست انقلاب حرف از آن بود که باید ریشه کن شود، در سالهای بعدی در شکلهای مختلف و به خاطر به کار بردن سیاستهای عموما اشتباه، در اشکال دیگری بازتولید شد. شما ری رہے ۔ نسبت به گذشـــته کمتر مصرف می کنند سیاست هدفمندی یارانهها هم دلار را خیلــی گران کردو به چهار هزار تومان رساند. آن کالاهای خارجی که قبلا با دلار خریداری می شد چند برابر شد. اگر بنا باشد اگر به همین ۱۲ – ۱۰ سیال گذشته کشور نگاه کنید ا روبههین از جابهجایی دهکی را میبینید و این بعنی به آسانی جابهجایی دهکی را میبینید و این بعنی محرومیت در شکلی نوری باز تولید شدهاست. بنابراین از منظر اقتصادی هیم این تعریف دچار نوعی جایه جایی شدهاست.. به دادر خریداری می سبب چید بربر سند. از به بست همه دهکها کالای خارجی بخرند، باافزایش قیمت دلار سهم بیشـــتری از بودجه خود را صرف خرید آن کالامی کنندومصرف سایر کالاهایشان کمتر و کمتر

ز توانایی خرید کمتری برخوردار هستیم ر کود تورمی

که حاصل از همین سیاستهابود، فقر رابیشتر کرد. در پاسخ به این سوال که چه کسانی این واژه را

مورداستفاده قرار می دهند، می توان از دولتی ها، جامعه شناسان و برخی از فعالان اقتصادی نام

بر د. در این سه دسته معنای واژه مذکور با دیگری

ر .... متفاوت بود اما با استفاده از یک واژه توضیح داده

این کار اشتباهی است. می توان گفت فردی که به

زندان میرود از آزادی محروم میشــود. یا فردی که

یکار میشود چون در آمد پایین تری دارد از مصرف

بسسیوری ر - - - ر ر ، ی . استفاده از فعل محروم شدن است. من تاکنون در علم

ر ۱۳ می از ۱۳ می افتصادایی و از ۱۳ می افتصادایی و از ۱۳ می افتادا می از ۱۳ از برای فلان طبقه خاص کاهش پیدامی کند. اگر برخی

زُ تحلیلگــران اقتصادی از واژه محرومیت اســـتُفاده کنند، کار نادرستی انجام ندادهاند اما معنای این واژه

تا حدود زیادی ثقیل است. می گویند فلان طبقه

از صرف فلان کالا محروم می شـود. در اقتصاد ایران طبقه محروم همان طبقه کهدر آمد اسـت. وقتی از

سأله مُحروميت در کشور، سالهای زیادی

اظ جمعیتی کشور رادر دورههای مختلف قیاس

. کنید، آشکار می شود که محرومیت در تمام سال های گذشته وجود داشته و مدام دستخوش تغییر در ابعاد

ماهوىاشُ شُدهاست.

بارى از كالأها محروم مىشود. اين مُسألُه مبيَن

ى شود.بنابراين دهُک پايين ومتوسط نسبہ ئمتر کالامصر فمی کنند. بله. اگر درآمد سرانه کاهش پیدا کند، عدم توانایی برای خریدافزایش پیدا می کند. سیاستهایی چون ساست تعدیل اقتصادی یا هدفمندی یار انهها مردم . امروزه محرومیت ممکن است بیکاری به حساب افقیر تر کرد. غیر از دهک ۹،۸،۷ و ۱۰ همه ماامروز

.... بیکاری یک مشکل اقتصادی است. فر دی که بیکار ... رص. میشود، نمی تواند یک سری از کالاها را مصرف کند، بنابرایسن از نظر اقتصادی فقیر تر می شــود. در مورد . بری صرح کرد جامعه همهمی توان گفت وقتی جامعه تحریم می شود، تولید کاهش پیدا می کند و در ادامه یک سری از افرادی که در دهکهای بالات ر بودند به دهکهای برسی - در حده ای به سر برسه به سود. پایین می آیند هر چه ریــزش از دهکـهای بالایی به دهکـهای پایین ترافزایش پیداکند،میزان محرومیت

حقیقی و معنای عرفی آن را با هم مقایسه کنیم، آیا همیشه در معنایی ثابت به کار رفته یا تغییر معنایی داشته؟

ستهیههاست. مــن به عنوان کســی که اقتصــاد خوانــده از واژه محرومیت در اقتصاد استفاده نکردهام و نمی دانم چه کســُی این واُژه را به کار برده استُ. وقتیُ افراد فقیر تر میشــوند، کمتر می توانند از برخی خدمات و کالاها ستفاده کنند. بنابراین استفاده از برخی از کالاها و خدمات محروم می شوند بیایید کالاً رابه کالای پ معمولیولوکس تقسیم کنیم.اگر سطحدر آمدجامعه بدا کند، طبقه متوسیط هما: خوید کالای ں۔ لوکس محروم میشوند. طبقهای که قبلا متوسط ب

کلمه محروم استفاده می کنیم، باید بدانیم این واژه بار معنایی خیلی زیادی دارد.معادل اقتصادی این مسأله نداشتن توان مصرف به اندازه گذشته است. مثلا واژه محروميتُ اقتصادُى اگر به كاُر برده شودمسأله تحرُيمُ و\_پیشمیآیدبنابراینواژهچندان صُحیحی نیا به این ها می در محرور به این این المتعالی کار لبته استفاده از واژه محرومیتهای اجتماعی کار فلطی نیست اما باید بدانیم که همین محرومیتهای اجتماعی هم درواقع ریشـه اقتصادی دارند. ما برای (درواقع زمان بسیار ارز شمندی) را از دست داده ایم که با هیچ چیز جبران نمیشــود.ما درست در زمانی که میخواستیم محرومیت را ریشه کن کنیم، ده به اتخاذ سُیاستهایی ردیم که محرومیت در اشکال نوینی باز تولیدشدو گاهجتی گسترش یافت.شمااگر

پرسش از کلمات

### مشكلات رفتار شبكهاي درايران

ادامه از صفحه ۹ این قشر رو به اضمحلال العادة والمحتمل الي قسر رويه المعتملان رقتماست اقتار متوسط هر روزه ميش ترمي شوند واز نظر توانايي اقتصادى ديگر متوسط محسوب نمي شوند حال اين سوال پرسيده مي شود كه چـرا واكنش هـاى توهين أميز؟ به نظـر من اين حركتماناشي ازاين است كشبكه هاى اجتماعى حركتماناشي ازاين است كشبكه هاى اجتماعى و شُبکههای موبایگی فرصت ظهور و بروز برای این فراوانی جمعیت به وجود آور ده است. فردی که در جامعهٔ امروز از تضادطبقاتی وحشتناک رنجمی برد و مشکلات زیادی در زندگی متحمل می شود، با در دست گرفتن یک گوشی اندر وید، تمام عقدهها، ـــ برسی به عوسی سروید، مصرهدهای عصبانیت ها و احساس عدم آمنیتی که بر اثر این نابرابری در جامعه حس می کندر ابروز می دهد و در واقع می خواهد کینه و عصبانیتش را سریک فرد خال کریت لیار این ایک مدلت می آ نمام این واکنش های توهین آمیز ناشی

ے۔ از این احساس است. البته نمودها و نشــانههای بیرونی آن در صور مختلف قشر بندى هاى اجتماعي ديده مي شود بهویــژه مبارزه منفی مــردم علیه مــردم که در بسیاری از محیطها شکل گرفته و دنبال می شود. مردم نارضایتی خـود را از شـرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه این گونه نشان میدهند یعنی مسبب کاستی های زندگی خود را، دیگران بهویژه اقشار مرف جامعه می بینند. راههای رتباطسي ميان فسردى وشسبكه هاى اجتماعي موبایلی به دلیل سهولت و در دســـترس,بودن، ابزاری میشــود برای رســاندن صدای اعتراض مرری کی رکز رکز مردم به یکدیگر. از این پس هم تظاهرات (نمودهای) متفاوت در قالب شادی و تنفر در جامعه خواهیم داشت. واکنشهای منفی نوعی مبارزه از طرف کسانی که سرخورده خشمگین مي شُونداً ستَ. يعني مردم به ويژه جوانان ناراضي

، و خُشم خود را به این گونه بروز می ده اگے بخواہیے روی شبکههای اجتماعی و نرم افزارهای ار تباطی موبایلی متمرکز شویم، درحال حاضر جامعه ما به گونهای است که اســتفاده از این ابزار گاه به جای ارتقای فرهنگ، به صورت ضدفرهنگ عمل مى كنىد فكر مى كنيد علت اين مساله

پیست. اگر نگاهی تاریخی بــه تحولات اجتماعی ایران بیندازیم، می بینیم که در طول تاریخ هر رسانه و وسیله ارتباطی که وارد کشــور شده، معمولا با مخالفت، مقاومت و واکنشهای تقابلی گروههای مرجع مواجه بوده. این روندادامه داشته تا به زمان فعلی رسیده ایم. ما به دلیل عدم شناخت رسانه ها تنها حربه ای که به کار گرفتیم «ته» گفتن و مقابله با ورود هر نوع وسيله ارتباطي جديد بوده است. . رور در صورتی که هر رسانه ای براساس خاستگاه و نیازی به وجود آمده و هیچ گونه ضدیتی با دیگر رسانهها ندارد شبکههای اجتماعی هم ضرورت ر زمانهماهستند.این امکانات ارتباطی نوین ضرورت ر این محبت زمانه پستمدرن امروزی جهان است. صحبت من صرفا در مورد جامعه ایران نیست. درحالی که جامعه ما در حال گذار از سنت به مدرنیته است و شبکههای ٔ جتماعی به نُوعی ابزارهای پستمدرن محسوب می شوند کـه خاصیت اصلـی آنها

ساختار شكني است. جامعه ایران درحال بیدارشدن از یک خواب سنتی استوفر آیند گذراز سنت به مدرنیته راطی می کندو شبکه های اجتماعی بهترین مأواو مکان برای بیان خواستهای مردم است؛ بیان بی پروای خواستههای مردمی که گاهی بدون رعایت اخلاق

وبدون درنظر گرفتن هنجارهای مختلف اجتماعی فُراُوانی آدمهایی که از این ظرفیتها استفاده می کنند،اکثر اجوان هستند که عمدتاخواستهها و نیازهای بر آورده نشده بسـیاری دارند و همین میشـود که افراد برای رفع همین گرهها یا برای ی بر قرات کی برای از طرفیت شبکههای اجتماعی تفریح و سر گرمی از ظرفیت شبکههای اجتماعی استفاده می کنند. نکته اما اینجاست که در جامعه ما چرا این ابزار به شکل منفی استفاده می شود تا دیگران را از صحنه رقابت خارج کند علل این کنشها به ریشههای اجتماعی و اقتصادی ی است ایران برمی گردد که جامعه شناسان باید مورد بررسی قرار داده و با بررسی رفتار شناسانه، راهكارهايي براي برون رفت از اين موقعيت ارايه

شما به عنوان صاحب نظر علوم ارتباطات فكر می کنید چه راهکاری می توان برای کاستن از برخی استفادههای نامطلوب از این شبکهها الهداد؟

م.. به نظر من یک کار مهم این است که نهادهای أموزشي و نهادهاي ياددهنده از مهدهاي كودك ومدارس گرفته تا دانشگاهها، تریبون هاو سیمنارهایی که با مصردم بهطور مسَّتُقیم وُ دون واسطه گفتو گومی کنند، برگزار کنند نا فُرهنگ سازی شــود. ما باید بتوانیم دادههای یشـــتری در اختیار مُردم قرار دهیـــم تا آگاهی عمومـــی افزایش یابــد و مــردم درک کنند که محیطهای مجازی محل عقده گشایی و توهین ت و در مقابل این واقعیت را برای مخاطبان و کاربران این شبکه هانهادینه کنیم سیار خوبی بسرای بالابردن دانش و آگاهی در حوزههای مختلف و شــکوفا شــدن بینش انسان نسبت به جهان در اختیار دارند و می توانند از آن به بهترین نحو ممکن استفاده

تمام مشکلات امبروز ما برمی گبردد به ندانستههای زیاد ما در این حوزه شبکههای نوین ار تباطی آمدهاند تا مشکلاتی را از ما حل کنند نه این که مشکلی بر مشکلات ما بیفزاینند وظیفه انه ها هم در قبال این مساله، این است که . طلاعات صحيح و روشــن و جامع، (نه باسر کوب ونگاه جانبدارانه)به مردم ارایه دهند نباید بگذاری بلايى كەدر موضوع ويديوھا وماھوارەھابر سرمان آمددر مورد شبکه های اجتماعی و موبایلی هم رخ دهد. بدانیم که ممنوعیت و طرد کردن تنها به ازدیاد توجه منجر میشود و عملا مشکل را حل

ے به علاوہ به نظر می رسد می توانیم از ظرفیت شبکههای اجتماعی برای آموزش و شناخت بهتـر مـردم از ایـن شـبکهها اسـتفاده کنیم؛ مویژه از طرقی که بیشترین تأثیب را دارد مثلا رور در سرعی ... مداوسسیما که رسانهای دیداری و شسنیداری است می تواند با برنامه سیازی های بسیار مفید به ایسن روند کمک کنسد. مسساجد و مکان های فرهنگی جایجای شے می تواند محلی برای آموزش استفاده درست از ظرفیت این شبکهها باشد و صاحبنظران جامعهشناسی، اساتید . دانشگاه و روحانیون می توانسد کمک کنند که آگاهسی مسردم افزایش یافته، مفهوم مشسار کت را درک کنند و جامعه به سمتاندیشه احتماعه . شــبکهای پیــشرود. چیزی که اکنــون بدیهی است این است که ما در ایران در اندیشه شبکهای مشكل داريم



## ایران وپیشگیری از مخاطرات بحران سالمندی در دهه ۱۴۱۰

ادامه از صفحه ۹ خانه های دوستدار سالمند هم همان طور که اشاره کردم طرح دیگری است که با همکاری شهرداری ها و شوراهای شهر برای توانمندسازی سالمندان جهت فراهم کردن محیطی مفرح و شاد برای سالمندان برنامهریزی سعیسی معرح وست برای مستست برنمه ریزی شده واجر امی شود. ما برای توانمندسازی واحیای دوره پیسری به حمایت. این قانونی نیساز داریم. امیدواریم به لحاظ قانونی هم قوانین سسالمندان

را در قانون تعریف کنیم. در برنامه سـوم و چهارم ر بر کر بری کرد. توسعه به سالمندان توجه شده اما در برنامه پنجم نسبت به این قشــر کملطفیهایی شده است که امیدواریم در برنامه ششــم سالمندان مورد توجه قرار گیرند تا قانون هم از سالمندان حمایت کند والبته سند راهبردی هم در صورتی که در هیأت